

سبک زندگی و سلیقه مردم تغییرات اساسی کرده است

عبدالرضا رحمانی فضلی را باید وزیر همسویی در همگرایی و اعتدال همه گروه‌های سیاسی و در کسوت مقام وزارت کشور دانست.



محسن تولایی-خبر‌نگار: عبدالرضا رحمانی فضلی را باید وزیر همسویی در همگرایی و اعتدال همه گروه‌های سیاسی و در کسوت مقام وزارت کشور دانست.

او در سالی که اصلاح‌طلبان امید چندانی برای تداوم حضورش در دولت دوم حسن روحانی نداشتند، یکی از بالاترین رأی‌ها را در همین مجلس اعتدالی دهم به دست آورد؛ اعتماد مجلس به حضور رحمانی فضلی در کابینه دوازدهم، اعتماد متقابل به احزاب در نقش‌آفرینی برای حل مسائل کشور را به همراه داشته و حداقل مدیریت وزارت کشور سال 96 را با پیگیری موضوع گفت‌وگوهای سیاسی مدنظر رئیس‌جمهور و معاون اول رئیس‌جمهور به پایان رسانده است.

گفت‌وگو با رحمانی فضلی بیش از گذشته معطوف به آینده بود؛ تحولات سیاسی سال 96 کشور شتاب زیادی داشتند و دغدغه آینده را ایجاد می‌کنند. از ضرورت جوان‌تر و زنانه‌تر شدن فضای مدیریتی سالخورده و مردسالارانه کشور گرفته تا احترام به تغییر خواست، سلیقه و باورهای مردم در آینده جمهوری اسلامی و برگزاری راهپیمایی‌های مدنی، موضوعاتی بودند که وزیر کشور پاسخگوی آنها بود.

رویکرد آقای وزیر همسو با دولت دوازدهم نسبت به سیر تحولات مثبت بود و آنها را می‌پذیرفت. می‌گفت حیات جامعه به امید است و دنبال برآورده شدن حقوق مردم در مجاری قانونی آنها و با نگاه حداکثری است. وزیر کشور با حوصله پاسخگوی مباحث همشهری در خصوص عملکرد این وزارتخانه بود.

<http://www.hamshahrionline.ir>

با مخالفت‌های عدیده‌ای که ابتدا از ناحیه برخی اعضای فراکسیون امید با وزارت شما در دولت دوم آقای روحانی صورت می‌گرفت، این احساس به‌وجود می‌آمد که شما همانند دوره قبل گزینه آقای لاریجانی برای وزارت هستید؟

3 یا 4 نفر جلوتر از من در مجلس رأی آوردند. آنها را هم آقای لاریجانی به وزارت رساند؟ البته اگر ایشان کمک کرده باشند، خوشحال می‌شوم ولی من چنین احساسی ندارم که ایشان دخالت کرده باشند.

در جلسات رأی اعتماد بحث‌هایی مطرح بود که نمایندگان مطالباتی برای شهرستان یا استان خودشان دارند و رأی به وزیر را منوط به برآورده کردن این مطالبات کرده‌اند. مثلاً درباره آقای بیطرف آن ماجرای جلسه میدان آرژانتین و پاسخ منفی ایشان به برخی نمایندگان شایعه شد. نمایندگان از شما درباره تغییر استانداران و فرمانداران مطالبه داشتند؟

خیر، نمایندگان خواسته خاصی نداشتند. ولی توقع نمایندگان این بوده که در جابه‌جایی استانداران نظرات مشورتی آنها را نیز داشته باشیم. این دوره نیز در جابه‌جایی استانداران نه‌تنها نمایندگان مجلس بلکه نمایندگان محترم ولی فقیه در استان‌ها را نیز محل مشورت قرار دادم. در عین حال فضای سیاسی استان‌ها را نیز برای انتخاب استاندارها در نظر می‌گرفتیم. این کارها نیز در جهت رعایت اصل هماهنگی در استان‌ها بود.

ولی این تغییرات استانداران در دوره شما با انتقادات زیادی مواجه شد، از جمله انتصاب استانداران غیربومی باعث گلایه‌هایی از شما شد. اصرار خاصی بر انتصاب استانداران غیربومی بود؟

این که درباره استانداران اظهارنظر می‌شود جزو حقوق همه است. هم سیاسیون و هم افراد متنفذ دلسوز استان احساس مسئولیت می‌کنند. مسئله مهم این است که وزارت کشور براساس اصول و قواعد خودش تصمیم می‌گیرد. در خصوص غیربومی بودن، بنده عنایت به این کار داشتم.

علت هم این بود که خود استانداران بومی از ما تقاضا می‌کردند که جابه‌جا شوند، برای اینکه وقتی به استان خودشان می‌رفتند، ملاحظات محلی خیلی زیاد می‌شد؛ مناسبات، روابط، درخواست‌ها و توقعات واقعا به استانداران فشار نایجا وارد می‌کرد. ولی وقتی استاندار بومی یک استان نیست به راحتی می‌تواند بدون این ملاحظات و فشار، تصمیم بگیرد. در این جابه‌جایی‌ها نیز با مقاومتی روبه‌رو نشدیم، وقتی استدلال‌هایمان را توضیح دادیم، همه قبول کردند. بنابراین غیراز یک استان، همه را غیربومی گذاشتیم.

نگران نمی‌شدید چنین روبه‌زانی به تنش‌های قومیتی در استان‌ها منجر شود؟

خیر. این استانداران افراد باتجربه و با سابقه‌ای هستند و در جاهای مختلف کار کرده‌اند؛ تجربه و سابقه‌شان نیز موجب می‌شود از این آسیب احتمالی مصون بمانند.

یکی از اتفاقات عجیبی که در دولت یازدهم در حوزه استانداران رخ داد ماجرای برکناری آقای مقتدایی، استاندار خوزستان بود. ایشان در جلسه معارفه مدعی شده بودند که روی گردن اژدهای اقتصادی استان پا گذاشته و همین موضوع منجر شده که پیش رئیس‌جمهور علیه وی پیج‌گذاری کرده و نهایتا برکنار شود. ایشان مدعی شدند که برکناری وی با دستور رئیس‌جمهور بوده است.

هیچ گزارشی بر مبنای اینکه ایشان با اژدهایی درگیر شده نرسیده است. اگر مستنداتی هم داشته باشد که تا به حال نیز نداده است حتما رسیدگی می‌کنم. هیچ فشاری را از طرف هیچ‌کس نمی‌پذیرم.

مثلا درباره آقای سیدمحمد احمدی، استاندار فارس در سال 94 که بعد از حمله به ماشین علی مطهری استعفا داد هم تحت فشار نبودید؟

ایشان از ابتدا نیز وزارت خارجه‌ای و سفیر بود. به ایشان پیشنهاد سفیری دادند و ترجیح داد سفیر شود. آقای ظریف لازم داشت و من هم موافقت کردم. فشاری در ارتباط با ایشان از ناحیه دولت یا جاهای دیگر وجود نداشت.

یکی از مطالبات در دولت جدید بحث سپردن پست‌های مدیریتی به زنان بود؛ آقای روحانی درباره انتصاب وزیر زن اعلام کرد که نگذاشتند؛ شاید از وزارت کشور هم انتظار بود که یک استاندار زن منصوب کند. چرا این اتفاق نیفتاد؟

ما خیلی دنبال می‌کردیم که یک استاندار زن بگذاریم. اما با توجه به اینکه در گذشته در جایگاه وزارت کشور، استانداری و معاونان استانداری‌ها و فرمانداری‌ها خیلی از خانم استفاده نکردند، متأسفانه در این مسیر کادرسازی و نیروسازی نشده است، در این دوره مقداری بستر تحقق این مطالبه فراهم شده است.

برای واگذاری استانداری‌ها به خانم‌ها، با خانمی صحبت کردید؟

بله. در یک یا 2 مورد با آنها صحبت کردم ولی می‌گفتند الان در این سطح نیستیم. استانداری جزو کارهایی است که از حوزه امنیت، سیاست، اجتماعی و اقتصادی سهم می‌برد و واقعا از نظر تنوع وظایف نیاز به هماهنگی بالایی دارد و سخت است.

خیلی تلاش کردم و موفق نشدم. اما الان در فرمانداری‌ها، مدیرکل‌ها و استانداری‌ها و استانداری‌ها از خانم‌ها استفاده می‌کنیم؛ ان شاءالله اگر به مراتبی برسند که خودشان احساس کنند می‌توانند مسئولیت‌های بالاتر را قبول کنند، این کار را خواهیم کرد. اگر زمانی شرایط مهیا شد و کادر مناسبی برای این جایگاه داشتیم مشکلی نداریم.

به نظرم استانداری‌ها از برخی وزارتخانه‌ها کار سخت‌تری دارند. کار استانداری‌ها پیچیده و چندوجهی است. الان تعدادی از بانوان در معاونت‌ها، ادارات کل استانداری‌ها و فرمانداری‌ها مشغول به کار هستند، بخشدار و دهیار زن نیز فراوان داریم. تلاش می‌کنیم کادرسازی شود تا بتوانیم از زنان در جایگاه استانداری نیز استفاده کنیم.

این حرف بدان معناست که ما مدیر زنی که توانایی اداره یک استان را داشته باشد نداریم؟

این‌ها؛ zwnj&طور نمی‌توان قضاوت کرد. داریم ولی تربیت نشده‌ها؛ zwnj&اند و سرمایه‌ها؛ zwnj&گذاری روی آنها نشده است؛ کادرسازی نکرده‌ها؛ zwnj&ایم وگرنه بانوان در همه‌ها؛ zwnj&جا موفق بوده‌ها؛ zwnj&اند.

درباره استانداران میانگین سنی آنها نسبت به دولت یازدهم پایین‌تر آمده است یا تفاوتی نکرده؟

سن استانداران به نسبت 4 سال اول دولت آقای روحانی کمتر شده است.

حداقل استاندار جوان هم نداشته‌ها؛ zwnj&ایم.

استاندار جوان هم داشته‌ها؛ zwnj&ایم. مثلاً در آذربایجان غربی استاندار جوان گذاشتیم. سن جوانی متناسب با هرکاری متفاوت تعریف می‌شود. استاندار حاکم یک استان است. سن جوانی در استانداری را شاید بتوان حوالی 40 سال دانست. هم‌ها؛ zwnj&اکنون حدود 5 نفر از استانداران ما در این سن هستند.

بهرتر نبود مدیران متولد دهه‌ها؛ zwnj&های 30 و 40 حداقل در استانداری‌ها؛ zwnj&ها و فرمانداری‌ها؛ zwnj&ها جای خود را به جوانان بدهند تا اتفاقاتی مشابه بداخلاقی‌ها؛ zwnj&های فرماندار مسن قبلی شهرستان گلیاپگان را نسبت به یک خبرنگارشاهد نباشیم؟

عصبانیت به پیری و جوانی نیست. البته در جایگاه مسئولیت نباید عصبانی شد و در عین حال با آن فرماندار برخورد کردیم. ما اگر موردی در این رابطه می‌داشتیم و به هماهنگی و توافق می‌رسیدیم و در دولت هم می‌توانستیم رأی بگیریم حتماً این کار را می‌کردیم؛ zwnj& شرایط انتخاب استاندار شرایط راحتی نیست.

لااقل قبول کنید که وظایف فرمانداری‌ها؛ zwnj&ها به پیچیدگی استانداری‌ها؛ zwnj&ها نیست، ولی در این پست هم جوانان جایگاه چندانی نداشته‌ها؛ zwnj&اند.

خیر اینطور نیست. الان فرماندار جوان خیلی زیاد داریم. البته من اعتقاد دارم برای وزارت کشور باید کادرسازی شود. وزارت کشور بعد از انقلاب جزو وزارتخانه‌ها؛ zwnj&های سیاسی بوده و الان نیز است.

بعد از انقلاب در چند دستگاه تغییرات اساسی و فراوان ایجاد شد. یکی از آن دستگاه‌ها؛ zwnj&های اجرایی وزارت کشور بود، چون قبل از انقلاب در وزارت کشور همه افراد در همه سطوح آدم‌ها؛ zwnj&های سیاسی خاصی بودند. وقتی اینها را از وزارت کشور کنار گذاشتند، با یک خلأ بزرگ در این وزارتخانه مواجه شدیم. جریان سیاسی‌ها؛ zwnj&ای که به وزارت کشور آمد تلاش کرد مدیریت‌ها؛ zwnj&های سیاسی از بخشدار تا فرمانداری، معاون استاندار، استاندار و معاونان وزرا را از جناح خودشان بگذارند.

البته ما این حق را به آنها می‌دهیم. نتیجه این شد که نیروهای وزارت کشور، نیروهای موقت بودند و خیلی علقه و وابستگی به ساختار، تشکیلات و سازمان وزارت کشور نداشتند، چون وقتی دوره‌ها؛ zwnj&شان تمام می‌شد از اینجا می‌رفتند. بنده وقتی به وزارت آدم‌ها؛ zwnj& 80 درصد فرمانداران از بیرون وزارت کشور بودند.

نخستین سیاست ما برای اینکه در وزارت کشور پایداری ایجاد کنیم این بود که گفتم این جریان باید عکس شود و حداکثر 20 درصد از بیرون به وزارت کشور نیرو منتقل کنیم. الان بیش از 80 درصد فرمانداران در سراسر کشور وزارت کشور هستند. 55 تا 60 درصد معاونان استانداری‌ها؛ zwnj&های ما نیز از وزارت کشور هستند. این اتفاق هم به‌ها؛ zwnj& خاطر آن است که کادرسازی در ارتباط با وظایف این وزارتخانه صورت نگرفته و طی طریق نشده است. در گام بعدی همین فرمانداران می‌توانند استاندار شوند.

شما در دوره‌ها؛ zwnj&ای که در دیوان محاسبات بودید دوره پرتلاطمی را با آقای احمدی‌نژاد گذرانیدید. ماجرای گم شدن یک‌ها؛ zwnj&میلیارد دلار را افشا کردید و بارها در گزارش‌ها؛ zwnj&های تفریغ بودجه اعلام کردید که دولت احمدی‌نژاد کمترین وقعی به قانون بودجه سالانه کل کشور نمی‌نهاد، در این سال‌ها؛ zwnj&ها چه روشی را در قبال اقدامات دولت آقای احمدی‌نژاد در پیش گرفتید؟

روشی که هر سال در دیوان محاسبات پیگیری می‌شود؛ کردیم پیشگیری بود و به جای یک؛ بار هر سال 4 بار تفریح بودجه انجام می‌دادیم. این؛ کار به این دلیل بود که میزان تخلفات را کاهش دهیم؛ وقتی 3 ماه یک؛ بار گزارش تفریح می‌دادیم مسئول مربوطه مجبور می‌شد اصلاح کند. همه دستگاه؛ ها موظف به انجام این کار بودند. بنابراین همه دستوراتی که رئیس؛ و نهاد ریاست؛ جمهوری به دستگاه؛ های مختلف می‌داد جزو مواردی بودند که ما رسیدگی می‌کردیم.

در آن مقطع در دادگاه دیوان محاسبات پرونده؛ ای برای احمدی؛ نژاد تشکیل نشد؟

در زمان ما حداقل 8 مورد پرونده در ارتباط با دولت آقای؛ احمدی؛ نژاد در دیوان محاسبات تشکیل شد. قانون دیوان؛ محاسبات به؛ گونه؛ ای است که وقتی برای روسای قوا و وزرا تشکیل پرونده می‌دهد، آن پرونده باید به رئیس مجلس گزارش شود؛ رئیس مجلس تصمیم می‌گیرد که با آن پرونده چه برخوردی صورت بگیرد. پرونده؛ هایی که زمان ما تشکیل شد، داشت مسیر قانونی خودش را طی می‌کرد که دیگر بنده از آنجا بیرون آمدم. یک مورد هم بود که به نتیجه رسیده بود و ما گزارش آن را به رئیس مجلس دادیم و بقیه در مسیر رسیدگی بود. گزارش؛ هایی که بعداً منتشر شد همگی مربوط به همان دوران مسئولیت ماست.

وارد بحث ناآرامی؛ های دی؛ ماه 96 کشور شویم. در این حوادث آمار و ارقام متفاوتی از بازداشتی؛ ها اعلام می‌شد. تعداد بازداشتی؛ ها در نهایت چقدر بود؟

در مراحل اول بیش از 5000 نفر در سراسر کشور بازداشت شده بودند که بلافاصله آزاد می‌شوند که نهایتاً روی 700-800 نفر کار جدی تری شد.

چرا برخی نمایندگان مجلس مثل آقای محمود صادقی از رقم؛ های 3 هزار و 700 نفری بازداشتی؛ ها سخن می‌گفتند؟

به آنهایی که ظرف یک یا دو ساعت اول آزاد می‌شوند دستگیری گفته نمی‌شود. به کسانی می‌گوئیم بازداشت شدند که حداقل یک شب را در آنجا گذرانده باشند.

برخی در این حوادث مدعی شدند به لیبرهای اعتراضات پول داده شده بود؛ چنین چیزی برایتان اثبات شد؟

خیر.

روایتی را آقای کرباسچی مطرح کردند و مدعی شدند که به نماینده ولی فقیه یکی از استان؛ ها که ناآرامی؛ ها از آنجا شروع شد تذکر داده شده است؛ صحت داشت؟

آن خبر در ارتباط با شورای عالی امنیت ملی مطرح شد. شورای امنیت که با ریاست وزارت کشور تشکیل می‌شود هیچ تذکری به نماینده ولی فقیه نداشت. آقای شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی کشور نیز بعداً در مصاحبه؛ ای اعلام کردند که ما هیچ تذکری نداشتیم؛ آقای علم؛ الهدی هم نامه؛ ای نوشتند و در رسانه؛ ها انعکاس دادند.

اینکه شروع مسئله از مشهد بود قابل؛ قبول است. اختلاف؛ نظرهای متعددی نیز وجود داشت که جمعیت معترض این شهر را چه گروه یا کسانی به خیابان؛ ها آورده؛ اند. ولی واقعا هیچ مستندی دال بر اینکه این امر سازماندهی شده از طرف فردی، شخصی، جناحی یا گروهی باشد، بنده به؛ عنوان وزیر کشور تا الان ندارم. اما اینکه سایت؛ های منتسب به بخشی از تفکرات، جناح؛ ها و گروه؛ ها این فراخوان؛ ها را توزیع و بازتولید کردند وجود دارد و این هم در همه موارد است.

حداقل ظرف مدت 4 سال گذشته موضوعات اصلی ما در مشهد بوده است؛ از جمله در ارتباط با مشکلات پیش؛ آمده برای مؤسسه میزان و پدیده شاندریز. تجمعات بسیار زیادی در مشهد داشتیم. شاید بیش از 200 مورد تجمع در 4 سال گذشته داشتیم. ریشه همه مشکلات پیش آمده در ارتباط با مؤسسات مالی نیز به نوعی به خراسان

برمی‌گشت که دلپش را هم نمی‌داند چيست و در آنجا مشکلات ایجاد می‌شود.

بعدا چون مشکل زیاد شده بود مدیریت استان مسئله را هدایت و کنترل کرد؛ دولت هم حمایت کرد و هم مسئله میزان و هم مسئله پدیده خیلی خوب حل شد. در اعتراضات دی‌ماه 96 مشهد نیز تصور این بود که شاید در همان حد 200 تجمع قبلی شعار می‌دهند و بروند، همچنان که در تهران نیز این تجمعات را جلوی مجلس و بانک مرکزی و همه جا داشتیم، اما در مشهد بنا به دلایلی نامعلوم تبدیل به اقدامات هنجارشکنانه از جمله شیشه شکستن و درگیری شد.

البته در همان روز نخست نیز تجمعاتی در برخی شهرهای محدود دیگر اتفاق افتاد، اما این در روزهای بعد تبدیل به 90 شهر شد و در 42 شهر درگیری داشتیم؛ این نشان می‌دهد که عوامل اصلی موضوع، عمیق‌تر از این بوده که بگویم یک جناح، یک فرد یا یک گروه در یک جا کار را شروع کردند. این در تحلیل نهایی ما را دچار مشکل می‌کند.

این مسئله حتما عوامل و دلایل اصلی‌تری دارد که مخرج مشترک آن را ناراضی می‌گویم. این ناراضی‌تی نیز در حوزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی وجود دارد. تأکید می‌کنم مستندی دال بر اینکه اعتراضات در مشهد از طرف فرد یا جناحی سازماندهی شده باشد به دست ما نرسیده است.

سرلشکر جعفری فرمانده کل سپاه گفته بود رخدادهاى اخیر با فراخوان یکی از سایت‌های صورت گرفته بود که وابسته به شخصی است که این روزها زبان به مخالف‌خوانی نسبت به اصل و ارزش‌های نظام گشوده است. تحلیل‌ها این بود که منظور ایشان آقای احمدی‌نژاد است؛ ارزیابی‌تان درباره این صحبت‌ها چه بود؟

همه سایت‌هایی که این موارد را بازتولید و بازپخش کردند کاملا مشخص هستند. بخشی از سایت‌ها نیز منتسب به آقای احمدی‌نژاد بودند. بسیاری نیز سایت نبودند بلکه کانال‌های تلگرامی منتسب به افراد بودند. اما ما باز هم نمی‌خواهیم قضاوت کنیم که آنها بانی، مسئول و متولی سازماندهی کار بودند. باید از سطحی‌نگری و تحلیل‌های ساده در مسائل اجتماعی پرهیز کنیم. مسائل اجتماعی مسائل ریاضی نیست. در ریاضی برای حل یک مسئله باید آن را ساده کنیم تا بتوانیم حلش کنیم، اما شما در مسائل اجتماعی نمی‌توانید مسئله را ساده و بعد حل کنید؛ حتما استنتاجات غلط خواهند بود. حتما همه ابعاد موضوع باید در نظر گرفته شود. ما به این نتیجه نرسیدیم که جریان آقای احمدی‌نژاد عامل و موجب اعتراضات باشد.

خودکشی‌هایی بعد از اعتراضات اتفاق افتاد. در جریان این خودکشی‌ها قرار گرفتید؟ فیلم خودکشی سینا قنبری در زندان یا مورد دیگر در اراک را دیدید؟

خیر، من ندیدم. از دادستانی گزارش دادند که این خودکشی بوده؛ شواهد و مستنداتى هم در جلسه شورای امنیت کشور ارائه کردند. در عین حال فیلم نبود و گزارش بود که در این جلسه ارائه شد.

در جریان اعتراضات مشهد با آقای علم‌زاده الهدی نماینده ولی فقیه و مسئولان این شهر جلسه گذاشتید؟ خیر. جلسه را خود شورای تأمین استان می‌گذارد.

در گزارش مهمی که وزارت کشور در تحلیل اعتراضات دی‌ماه 96 به رئیس‌جمهور ارائه کرد بر تغییر سلیقه، باورها، سبک زندگی و انتظارات اجتماعی و انتخاباتی مردم تأکید شده است و اینکه برخی مدیران درکی از این تغییرات ندارند. چطور می‌خواهید اداره کشور را منطبق با این تغییرات اصلاح کنید؟

این گزارش از سوی شورای امنیت کشور تهیه و به آقای رئیس‌جمهور ارائه شد. به 2 دسته از عوامل می‌توانیم اشاره کنیم؛ یک دسته عوامل نزدیک است و یک دسته عوامل دور. عوامل نزدیک ناراضی‌تی‌ها در هر سه حوزه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دیده می‌شود و یک جرقه کافی است تا شعله‌ور شود. اما از منظر این گزارش، مسئله عمیق‌تر از این است.

3 عنصر همواره در تحلیل‌های ما از تحولات اجتماعی باید مدنظر باشد و اگر اینها را حذف کنیم نمی‌توانیم

استنتاج درست داشته باشیم. نخست تغییر نسل است. 39 سال از انقلاب گذشته و به مرور تفکرات، باورها، اندیشه‌ها و سلیقه نسل‌ها تغییر یافته است.

برای دیدن اینها لازم نیست راه دور برویم؛ داخل خانواده خودمان و در بچه‌های خودمان این تغییرات را می‌توانیم ببینیم. ما با دانشجویان سروکار داریم و می‌بینیم آنها حتی با دانشجویان 5 سال قبل تفاوت دارند. بی‌توجهی به تغییرات نسلی صد درصد ما را در تحلیل‌ها، ایمان غافل می‌کند.

دومین مسئله سبک زندگی است. سبک زندگی و سلايق مردم در حوزه‌های مختلف از نوع تفریح، ادبیات، گفتمان، مناسبات، روابط و پوشش‌شان دچار تغییرات اساسی شده است؛ این تغییرات نیز در محدوده جغرافیایی ایران تعریف نمی‌شود، چون ارتباطات به قدری گسترده شده که فضای بیرونی کاملاً در داخل کشور فعال است و نقش دارد. این سبک زندگی ویژگی‌ها و آثار و نتایج خاص خودش را به همراه خواهد داشت. باید بدانیم وقتی می‌گوییم فلان کالا را مصرف کنید یا نکنید، آیا اساساً در باور مردم از نظر سبک زندگی می‌گذرد یا نمی‌گذرد؟

اگر 20 سال قبل می‌گفتیم ممکن بود مردم باور و قبول کنند، اما الان وقتی به آنها می‌گویید اصلاً به باورشان نمی‌رسد، برای اینکه نوع سلیقه و انتخاب آنها به گونه‌ای است که منطق ما را بر نمی‌تابند. مقام معظم رهبری حدود 10 سال قبل در یک سخنرانی در سمنان درباره تغییرات اجتماعی سخنرانی مفصلی کردند و بعد نیز در سفر به خراسان شمالی موضوع سبک زندگی را مطرح فرمودند. ایشان گفتند:

اگر به تغییرات اجتماعی پاسخ لازم را ندهیم در مقابل این تغییرات محکوم به شکست هستیم، یعنی حتما شکست می‌خوریم. دسته سوم تغییرات تکنولوژیک است. تغییرات تکنولوژیک، زندگی و اقتصاد ما را دگرگون کرده است. الان اقتصاد فضای مجازی و دیجیتال بسیاری از مسائل را دگرگون کرده است.

گزارش به مقام معظم رهبری هم ارائه شد؟

بله. این گزارش به مقام معظم رهبری و به سران قوا و شورای عالی امنیت ملی ارائه شد. این گزارش در واقع تحلیل شورای امنیت است. در شورای امنیت کشور همه دستگاه‌های امنیتی، نظامی، انتظامی، قضایی و صداوسیما عضو هستند. همه نظرات و دلایل‌شان را آوردند، مستنداتشان را مطرح کردند و در کارگروهی همه اینها جمع‌بندی شد و نهایتاً به شورای امنیت کشور آمد. در شورای امنیت کشور نیز دوستان نظراتشان را دادند و موضوع جمع‌بندی شد و حاصل آن، تهیه و تنظیم گزارش مذکور شد.

بازخوردی از ارائه گزارش‌های ناآرامی‌ها به مقامات بالادستی داشتید؟

بله. دستوراتی هم روی آن دادند و ما هم داریم پیگیری می‌کنیم. گزارش ما جامع بود و نقش همه دستگاه‌ها را در آن یادآور شدیم. جلساتی در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی گذاشته و جلسه‌ای هم در شورای امنیت برگزار شد. یکی از موضوعاتی که می‌تواند در جامعه هیجان ایجاد کند، بحث یأس و ناامیدی است.

حیات جامعه به امید است. حرکت انسان نیز به امید است. اگر امیدی به آینده نداشته باشیم چرا باید فعالیت کنیم؟ همگی باید در جامعه تلاش کنیم تا امید ایجاد شود، نشاط و سرزندگی ایجاد کنیم. هیچ‌جای دنیا نیست که بدون کار، تلاش و امید، انتظار داشته باشند شرایط مطلوبی داشته باشند.

اما به نظر می‌رسد برخی نهادها پذیرشی در این موج تغییرات ندارند و همچنان به شیوه قبل ادامه می‌دهند؛ از جمله صداوسیما.

در اینجا باید بر این موضوع تأکید کنم که در بحث انتشار خبر دیگر انحصار خبر در دست صداوسیما نیست. 8 سال از مدت ده ساله حضور در صداوسیما، در حوزه خبر بودم. آن زمان انحصار کامل در اختیار صداوسیما بود؛ یعنی هر چه اراده می‌کرد می‌توانست در جامعه غلبه بدهد، اما امروز صداوسیما اصلاً نمی‌تواند غلبه خبری داشته باشد.

برای اینکه همه، دسترسی آزاد به خبر دارند. همه خبر و تحلیل دارند؛ خبر و تحلیل یعنی اطلاعات و اطلاعات نیز منشأ

تحلیل، تصمیم‌گیری، دآوری و انتخاب است. فضای مجازی واقعا حوزه مفاهیم، مناسبات و روابط را عوض کرده است. بنابراین تغییر نسل، سبک زندگی و تغییرات تکنولوژیکی، در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تأثیر گذاشته است. به همه اینها می‌گویم تغییرات اجتماعی. ما اگر این تغییرات اجتماعی را درک نکنیم صد درصد دچار انفعال و زوال‌های شدید در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی خواهیم شد. نقش رسانه‌ها در فضای مجازی در انتخابات ریاست‌جمهوری 96 قوی‌تر از صداوسیما بود.

در مسائلی همچون سالگرد تولد کوروش، تعدادی سایت‌ها موضوع اجتماع در پاسارگاد را پوشش دادند و فضایی به وجود آوردند که همه را نگران کرده بود که امکان دارد مسئله امنیتی شود و الحمدلله نشد. وقتی مسئله فراندوم در اقلیم کردستان عراق و استقلال آن مطرح شد، این‌طرف در کشور ما فضای مجازی چنین فضایی ایجاد کرد که انگار با فراندوم در کردستان عراق در ایران یک حادثه عظیم اجتماعی و سیاسی رخ خواهد داد. ولی با مدیریت لازم و فهم و بلوغ و درک مردم در مناطق کردستان این اتفاق نیفتاد.

در زلزله کرمانشاه همین فضای مجازی فرصت‌های زیادی برای کمک مردم ایجاد کرد.

در زلزله کرمانشاه، فضای مجازی فرمان را از اختیار رسانه‌ها رسمی درآورد و این در حالی بود که کارهای ما در زلزله کرمانشاه بی‌نظیر بود. ما 14 هزار و 700 کانکس را ظرف 40 روز نصب کردیم. در هیچ‌جای دنیا این اتفاق نمی‌افتد. تولید، حمل، زیرساخت و نصب این کانکس‌ها 40 روز طول کشید. 96 هزار چادر دادیم و این در حالی بود که کلا 30 هزار ساختمان به‌صورت جزئی و کلی آسیب دیده بود. ظرف یک روز 5 هزار مصدوم را به مراکز درمانی منتقل کردیم.

بنده هنگامی که به آنجا رسیدم 36 بالگرد در آسمان پرواز می‌کرد. 2 هزار و 700 نفر از زیر آوار بیرون آورده شدند که اگر دیر اقدام می‌شد ممکن بود 2 هزار نفر آنان زیر آوار از بین بروند. کمک نیروی انسانی، غذایی و گرمایشی نیز به قدری رسید که مرتب به مردم اعلام شد دیگر اقلامی ارسال نکنید، چون آنجا خراب می‌شود. اما از نظر تبلیغاتی چنان مسئله را بزرگ کردند که ناکارآمدی دولت و سایر دستگاه‌ها خدمات رسان را نشان دهند.

همه اینها را دولت انجام می‌دهد. دولت در قالب ستاد مدیریت بحران که مسئولیتش با وزارت کشور است و همه دستگاه‌ها، از سپاه و ارتش و هلال احمر و... در آن عضو هستند این وظیفه را انجام می‌دهند. این کارها که با ورد و جادو و جنبل درست نمی‌شود؛ عده‌ای آنجا کار می‌کنند. آب و برق‌شان قطع بود، ظرف مدت 24 ساعت وصل شد، گازشان قطع بود ظرف مدت 3 تا 4 روز وصل شد؛ همه این اتفاقات به وسیله مجموعه حاکمیت اتفاق افتاد ولی فضای مجازی به‌گونه‌ای موضوع را مطرح می‌کرد که رسانه‌های رسمی عقب می‌افتادند.

رسانه‌ها در تغییرات اجتماعی همانند حوادث این چنینی چه نقشی می‌توانند ایفا کنند؟

رسانه‌ها باید به داد حوزه تغییرات اجتماعی برسند. راهش هم این است؛ اگر پشت سرش بروید، منفعل خواهید بود، اما اگر می‌خواهید تغییر را مدیریت کنید باید جلوی حرکت کنید. تغییر را باید پیش‌بینی کنید و تحلیل درست داشته باشید. در تحلیل تغییرات نباید اسیر رسوبات ذهنی و فکری، تعصبات بی‌جهت و خوشامد و بدآمدگویی‌های غیرکارشناسی و غیرعلمی شویم. باید روش‌های بدیع به‌کار ببندیم، به دآوری‌ها توجه کنیم، به اندیشه‌ها و سلاقی توجه کنیم؛ به مردم احترام بگذاریم و آنها را مشارکت دهیم. نحوه اداره امور عوض شده است؛

NGOها دارند غوغایی در کشور و در دنیا راه می‌اندازند. آیا ما می‌خواهیم منفعلانه قضیه NGOها را تماشا کنیم؟

آنها جلو می‌روند. کسانی با باورهای غلط و رسوبات انباشته شده در ذهن‌شان تصور می‌کنند می‌توانند با تغییرات اجتماعی مواجه شوند. حتما مدیرانی که این روش‌ها را بلد نیستند باید جابه‌جا شوند، حتما نباید باشند. مدیران جدید حتما باید تعامل و مشارکت کنند. اعتراضات دی‌ماه 96 را اگر از منظر مسائل نزدیک تحلیل کنید می‌توانید بگویید فشار اقتصادی، معیشت یا نارضایتی‌های سیاسی یا تحریک‌های سیاسی بوده است. اگر اینطور باشد که هر هفته باید کل کشور به‌هم بریزد. اصلا اینطور نیست. انباشتگی‌هایی به دلایل دور بوده که به وسیله تحریک مسائل نزدیک اتفاقات را رقم زدند.

ویژگی حوادث و اعتراضات اخیر در کشور چه بود؟

نخست اینکه مردم شرکت نکردند و به اعتراضات نپیوستند؛ در بالاترین حد بین 40 تا 42 هزار نفر در حادثه بودند. دوم اینکه جریانات سیاسی نیامدند. به عنوان وزیر کشور و مسئول امنیت کشور می‌گویی؛ گویم جریانات سیاسی در این موضوع وارد نشدند، بلکه همه جریانات سیاسی به ما کمک کردند. معاون سیاسی بنده ظرف مدت 3 روز 2 بار با احزاب و گروه‌های سیاسی جلسه گذاشت و همکاری خوبی کردند. سوم اینکه رسانه‌های کشور وارد قضیه نشدند، بلکه به ما کمک کردند.

جریانات کارگری و کارمندی، دانشجویی، اقوام و اقلیت‌ها هیچ‌کدام وارد نشدند و به ما کمک کردند؛ بنابراین، این حادثه را نمی‌توان یک حادثه ملی و مبتنی بر یک تحول عظیم جلوه داد. البته همین تعداد نارضایتی و هزینه‌هایی که از نظر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی به کشور وارد کردند غیرقابل جبران است. وقتی هموطنان ما ناراضی هستند باید توجه‌مان را بیشتر کنیم.

در ادامه همین تحولات دیدیم موجی درباره حجاب در کشور راه افتاد. ریشه این بحث کجاست و آیا آن را مشمول همان تغییر سلیقه مردم می‌دانید؟

اولا این مسئله به آن صورت که شما می‌گویید موج نبوده و یک حرکت محدود بوده است. همینطور عادی هم که در خیابان‌ها می‌چرخیم، می‌بینیم که برخی حجاب را رعایت نمی‌کنند و به صورت جاری، در کشوری به این عظمت، چنین سلایقی وجود دارد. وقتی قانون است باید به آن احترام بگذاریم. واقعا اجبار آنچنانی هم که زور بالای سر افراد باشد نیست، به این دلیل که اکثریت جامعه ما ارزش‌های دینی، اعتقادات و باورها را قبول دارند، بخشی هم که به علت تغییر نسل، سلیق یا سبک زندگی به حجاب باور ندارند، باید با کار فرهنگی بیشتر با ادبیات و گفتمان خاص خودش صورت بگیرد. تقاضای ما همیشه این است که به قانون احترام بگذاریم.

اگر در اجرای قانون خلل وارد کنیم، نمی‌شود کشور را اداره کرد. ممکن است طرف مقابلی نیز به فرد بی‌حجاب تهاجم کند؛ در این حالت هر دو کار غیرقانونی کرده‌اند و نتیجه این می‌شود که در کشور با دعوا و درگیری مواجه می‌شویم. از این مسئله نیز همانند اعتراضات استقبال نشد. تصور کنید 7 نفر اقدام به این کار کردند، خب، در حالت عادی، افراد چنین امری، در خیابان بیشتر از این تعداد هستند. اکثریت مردم به باورهایشان اعتقاد دارند.

مسئله تغییر سلیق و باورها و موضوع حجاب و موارد این چنینی مشمول صحبت‌های آقای رئیس‌جمهور که گفتند می‌توانیم به اصل 59 قانون اساسی رجوع کنیم، می‌شود یا خیر؟

آنچه رئیس‌جمهور گفتند مربوط به سلیق سیاسی و اختلافات در نحوه اداره کشور است. برخی چیزها قابل مراجعه به رأی نیست. در اصول که نمی‌توانیم به همه‌پرسی رجوع کنیم. اینها جزو اصول و واجبات دینی هستند. مگر حق و باطل قابل رأی‌گیری است؟ راست و دروغ را که به فراندوم نمی‌گذارند. رأی‌گیری در چارچوب قوانین و مقررات و اصول است.

به 2 جلسه‌ای که با احزاب در وزارت کشور در راستای گفت‌وگوهای سیاسی برگزار شده اشاره داشتید؛ همزمان بحث گفت‌وگوی ملی در سطح احزاب، جریان‌های سیاسی و نهادهای صاحب قدرت نیز مطرح شده است.

وزارت کشور در این چارچوب نیز ایفای نقش می‌کند؟ آقای جبارزاده- معاون سیاسی وزارت کشور- گفته‌اند منشور گفت‌وگوی سیاسی به استان‌ها ابلاغ شده است. استانداران ملزم به زمینه‌سازی برای گفت‌وگوی سیاسی و ملی هستند؟

گفت‌وگوی ملی مسدود نبوده است که کسی بخواهد بازش کند. 39 سال است که در این کشور همه گروه‌های سیاسی کار می‌کنند؛ به خصوص در دولت تدبیر و امید که محدودیت و مانعی برای فعالیت گروه‌های سیاسی نیست؛ نه حزبی تعطیل شده و نه برخوردی با آن صورت گرفته است. ما خانه احزاب را باز کردیم و هیچ حزبی معطل مجوز نیست. قوانین حزب تغییر کرد و اخیرا هم باز برخی پیشنهاد دادند تغییرش دهیم

که این کار را نیز خواهیم کرد؛ کنگره‌ها و مجامع؛ شان تشکیل می‌شود؛

سخنرانی‌ها؛ ایشان را انجام می‌دهند و به صورت فعال نیز در انتخابات شرکت می‌کنند. گفت‌وگو؛ ما نه محدود بوده و نه مسدود. اینکه برخی سلیقه‌ها با هم نمی‌خواند و برخی توقع‌ها؛ شان بیشتر است یا فکر می‌کنند حضور کمتری دارند، این به قدرت و گفت‌وگوهای حزب برمی‌گردد؛ این به نحوه فعالیت، جذب و اثرگذاری یک حزب برمی‌گردد. نمی‌توان حزب راه انداخت و انتظار داشت فردا 10 صندلی پارلمان را به دست آورد.

احزاب باید جذب نیرو، آموزش و کادرسازی داشته باشند و مسائل مردم را هم مطرح کنند. در وزارت کشور در نظر داشتیم یک گفت‌وگو؛ وگویی سیاسی با محوریت خود وزارت کشور در استان‌ها و در تهران باز کنیم. جلسات مستمری را هم بنده به عنوان وزیر کشور و همچنین معاون سیاسی برگزار کردم. هم‌اکنون میز گفت‌وگوهای اقتصادی و اتاق بازرگانی و بخش خصوصی و دولتی برقرار است. میز گفت‌وگوهای اجتماعی نیز برقرار است؛ اما در مسائل سیاسی یک فقدان داشتیم. تصمیم گرفتیم فضای گفت‌وگو؛ وگویی سیاسی را باز کنیم. در جلسه؛ ای که مسئولان احزاب از جریان‌ها؛ مختلف در وزارت کشور داشتند، همه بعد از 39 سال به پختگی و مهارت در اداره حکومت رسیده بودند و می‌گفتند امنیت،

اصل است؛ همه به دنبال راه‌ها؛ چاره بودند، همه با دخالت بیگانگان در اوضاع داخلی مخالف بودند، همه با اقدامات هنجارشکنانه مخالف بودند و اعلام مواضع کردند. گفتیم اعتراضات نباید سیاسی شود، نباید یک جریان سیاسی قربانی این قضیه شود و اعتراضات متناسب به آن شود. در واقعیت هم؛ چنین نبود. در اینگونه مواقع معمولاً سیل اتهامات شروع می‌شود ولی با همین همراهی، کنترل و حرکت گروه‌ها؛ این واقعه سیاسی نشد. اگر در یک گفت‌وگو؛ وگویی سیاسی بین همه احزاب ما به این نقطه برسیم که باید مردم را امیدوار کنیم، کار خوبی است. انتقاد سازنده کنیم به؛ جای تخریب. در گفت‌وگوهای سیاسی باید به این نقطه برسیم که تخریب را کنار بگذاریم. اگر به این نقطه رسیدیم که باید وحدت و انسجام ملی را تقویت کنیم، همه این کار را انجام دهیم. ما نقاط مشترک فراوانی برای اداره کشور در گروه‌ها؛ سیاسی داریم. گفت‌وگوهای سیاسی برای رسیدن به مفاهیم و درک متقابل، بیشتر روی منافع و امنیت ملی است.

اما گفت‌وگوهای سیاسی با نهادهای صاحب قدرت در کشور مسدود است. در این؛ خصوص چه خواهید کرد؟

دولت، مجلس، قوه قضاییه و مجموعه حاکمیت باید جلوتر حرکت کنند. آنها حاکم هستند و باید جلوتر باشند. البته من به شما عرض کنم با توجه به نفوذ رسانه‌ها؛ با توجه به قدرت افکار عمومی می‌توانیم به وسیله داشتن درک مشترک از مسائل امنیت ملی و منافع ملی، مسئولان کشور را هم بر سر آن موضوعات به وحدت برسانیم؛ به؛ خصوص آنکه همه کسانی که در کشور مسئولیت دارند به رأی مردم احتیاج دارند. بنابراین به؛ وسیله افکار عمومی هم می‌شود کشور را به وحدت و یکپارچگی رساند.

در ارتباط با اعتراضات دی؛ ماه 96 این نقطه ضعف در قانونگذاری کشور آشکار شد که هیچ فرصتی برای استفاده از اصل آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها؛ بر اساس اصل 27 قانون اساسی فراهم نشده است. به راهپیمایی‌ها؛ و تجمعات تنها در چارچوب قانون احزاب و تشکل‌ها؛ مجوز داده می‌شود ولی این حق به افراد عادی داده نشده است. چرا در برابر راهپیمایی‌ها؛ و تجمعات مردم مقاومت می‌شود؟

هم‌اکنون بحث تجمعات همچنان که گفتید در قانون احزاب است. در قانون احزاب گفته شده باید احزاب و گروه‌ها؛ برای تجمع مجوز بگیرند. حتی تشکل هم در آنجا تعریف نشده است که ما تشکل را به؛ عنوان تشکل سیاسی تعریف می‌کنیم. تجمعات در چارچوب قانون احزاب نیز شرایطی دارد. بحث تجمعات فراتر از قانون اساسی به قوانین موضوعه بسط داده نشده است. اینکه تجمع آزاد است بسیار کار خوبی است، حتما هم دمکراتیک است، اما چه کسانی، چگونه، به چه منظور، در کجا و با چه هدفی اجتماع و راهپیمایی برگزار کنند؟

اگر اینگونه باشد فردا هرکسی در خیابان راه می‌افتد و می‌گوید قانون اساسی گفته تجمع آزاد است و من هم می‌خواهم به خیابان بیایم. موافق و مخالف همه به خیابان می‌آیند؛ مگر دیگر می‌شود کشورداری کرد؟ برای اصل 27 قانون اساسی باید قوانین موضوعه نوشته شود. دوم اینکه هدف، مکان، شعارها و مسئولیت تجمع، مشخص باشد. همه اینها را مشخص می‌کنند، سر ساعت معینی در جایی جمع

می‌زنند؛ شاعرشان را می‌دهند و بعد هم متفرق می‌زنند؛ شونند.

هم‌اکنون هیچ قانونی جز قانون احزاب برای این موضوع نداریم، در قانون احزاب نیز گفته شده تنها شکل‌ها و گروه‌ها می‌توانند تجمع بگذارند که آن‌ها هم تعریف نشده، بلکه وزارت کشور خودش بر مبنای روالی که داشته این کار را انجام می‌دهد. من به آقای دکتر جبارزاده مسئولیت دادم تا از احزاب و گروه‌ها، دانشگاهیان و حقوقی‌ها نماینده مشورت بگیرد و با مرکز پژوهش‌ها می‌تواند جلسه بنشیند و یک قانون در جهت تسهیل راهپیمایی‌ها و تجمعات مردم بنویسیم. این قانون را نیز به سرعت خواهیم نوشت و به مجلس خواهیم داد.

دی‌ماه 96، در یک سالگی منشور حقوق شهروندی، از تدوین دستورالعمل تأمین نظم و امنیت راهپیمایی‌ها به‌عنوان یکی از دستاوردهای وزارت کشور نام برده بودید. درخواست ما برای در اختیار داشتن این دستورالعمل به جایی نرسیده است. آیا این دستورالعمل از حق اجتماعات و راهپیمایی‌ها مردم حفاظت می‌کند؟ محتوایش چیست؟

این دستورالعمل را باید از معاونت سیاسی پیگیری کنید.
گفته‌اند محرمانه است.

نه، محرمانه نیست. این دستورالعمل محدودسازی نیست. ما در چارچوب همان قانون احزاب در وزارت کشور دستورالعمل نوشتیم که تجمع چگونه باشد، نشست‌ها چگونه باشد و اگر راهپیمایی بود چگونه باشد و اینکه مجوزها چگونه باید گرفته شود.

چرا به احمدی‌نژاد؛ نژادی‌ها مجوز راهپیمایی ندادید؟

اولاً هنوز این درخواست را ندیده‌ام. بنده مجوزی به این صورت ندیده‌ام که مثلاً حزب و تشکلی با عنوان طرفداران و حامیان آقای احمدی‌نژاد ثبت شده باشد. اگر هم درخواستی داشته باشند، قانون می‌گوید به احزاب و تشکل‌های سیاسی داده می‌شود. اگر در قالب یک گروه یا تشکل سیاسی رسمی تقاضا کنند، بررسی می‌کنیم. اگر غیر از مسیر احزاب و تشکل‌ها سیاسی باشد، آن‌ها قدر تقاضای راهپیمایی و تجمع خواهیم داشت که اصلاً قابل کنترل نیست.

هیچ قانونی در این حوزه نداریم که به ما اجازه بدهد تا به فردی که تقاضای راهپیمایی دارد و می‌خواهد به خیابان بیاید مجوز بدهیم. آن کسی که از مسیر احزاب تقاضا می‌کند باید مسئولیت بپذیرد، هدف و زمانبندی را هم بگوید. مگر می‌شود هر روز عده‌ها؛ ای به خیابان بیایند و راهپیمایی کنند؟ اینکه کشورداری نمی‌شود. هم‌اکنون تنها احزاب و گروه‌های رسمی می‌توانند اجازه تجمع و راهپیمایی داشته باشند، هر گروه رسمی سیاسی که تقاضا کند بررسی می‌کنیم و مجوز می‌دهیم.

3 استان کرمان، لرستان و آذربایجان شرقی را در دولت یازدهم به‌عنوان پایلوت در اقتصاد مقاومتی و بحث تولید و اشتغال محل توجه قرار دادید. استانداران این استان‌ها هم دستخوش تغییر شدند؛ همچنان آن سیاست‌ها ادامه می‌یابد؟

بله. همچنان مسیر ادامه دارد ولی من باید عذرخواهی هم بکنم که به‌خاطر انتخابات، سیل و زلزله نرسیدم در این ارتباط به استان‌ها سر بزنم. تا کابینه مستقر شود زمان به شهریورماه و مهر کشید. من خودم امسال در ارتباط با این 3 استان مثل سال قبل فعال نبودم ولی استانداران به‌طور جدی پیگیری می‌کنند. البته مسائل ما بسیار عمیق‌تر از اینهاست. من به آقای رئیس‌جمهور عرض کردم که شما اختیارات اصل 127 قانون اساسی را در 3 استان به وزیر کشور بدهید.

اصل 127 قانون اساسی می‌گوید دولت هر وقت تشخیص بدهد می‌تواند اختیارات دولت را به یک یا چند نفر از وزرا بدهد. من به رئیس‌جمهور عرض کردم از آنجا که استان‌ها ما مسائل زیادی دارند و واقعا سیستم بوروکراسی مشکلاتی ایجاد کرده، برای نمونه اختیارات را در 3 استان به وزیر کشور بدهید یا اینکه 5 وزیر را با مسئولیت وزیر کشور در این کار انتخاب کنید، حتی اگر شده یک استان را مستقل از ضوابط دست و پا گیر اداره کنیم.

ایشان موافق بودند که اختیارات استان‌ها کم است ولی درباره اصل 127 اظهارنظری نکردند و طبیعی هم هست،

چون باید بررسی کنند. در عین حال من مکتوب می‌کنم و از ایشان پیگیری می‌کنم. اگر بتوانیم چنین گامی برداریم استان‌های ما توان اداره خودشان در حوزه اقتصاد را به نحو احسن دارند. بنده به‌عنوان یک فرد با 39 سال تجربه کار و معلم دانشگاه، ایمان دارم که این کار شدنی است.

حوزه مدیریت شهری در قوانین با مسئولیت‌های وزارت کشور در هم تنیدگی دارند. شرایط زندگی در شهرهای بزرگ از نظر آلودگی هوا، ترافیک و ازدحام جمعیت از جمله در شهری مانند تهران مسائل خودش را به همراه دارد و در برخی بررسی‌های جهانی از تهران به‌عنوان ششمین شهر پرآسترس دنیا یاد می‌شود. از آن طرف رئیس‌جمهور می‌گویند سال 97 سال امید و نشاط مردم در سینماها و ورزشگاه‌ها و... باشد. در ارتباط با وظایف وزارت کشور در بهبود شاخص‌های زندگی مردم چه خواهید کرد؟

آن شاخص‌ها را قبول ندارم. معیارهای آنان با شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی فرق می‌کند. بنده به دولت و استانداران گفته‌ام که امید و نشاط برای مردم ضروری است. تا می‌گوییم شادی و نشاط یک سری خط قرمزهای به ذهن برخی می‌رسد، پس می‌گوییم نمی‌شود. اینطور نیست. مردم باید در وجودشان احساس نشاط و امید کنند. خود مردم بهتر بلدند زندگی‌شان را اداره کنند. باید منغیات را از زندگی مردم برداریم. الآن در رسانه‌ها یک مسابقه گذاشته شده در جهت طرح مشکلات و بزرگ‌نمایی آنها. مردم از اختلافات نگران می‌شوند،

از سیاه‌نمایی‌ها نگران می‌شوند. احساس امنیت مقوله متفاوتی از امنیت است. من مسائل امنیتی را در رسانه‌ها کنترل می‌کنم. تصور کنید روزانه در ایران 100 سرقت رخ دهد که در همه دنیا نیز آمارهایی از این دست وجود دارد؛ اگر قرار باشد از فردا رسانه‌ها همه این 100 سرقت را پوشش دهند، بعد از یک مدت تصور مردم این می‌شود که همه دزد هستند! و اصلاً امنیت در خانه‌ها نیست.

در این حالت کار به جایی کشیده می‌شود که طرف به مسافرت هم نمی‌رود، در خانه‌اش می‌نشیند و افسرده هم می‌شود. باید بین واقعیت و واقع‌نمایی فاصله بگذاریم. باید با واقعیت با نگاه طبیعی مواجه شویم، نه با نگاه رذیلانه تا بخواهیم اعصاب مردم را خرد کنیم. من واقعا گلایه دارم؛ بنده 10 سال در رسانه ملی مسئولیت داشته‌ام و الآن هم معتقد هستم با همین رسانه ملی می‌شود کشور را چنان امیدوار، چنان بانشاط و چنان پویا و باتحرک نگه‌داشت که مردم نصف غم‌هایشان که ناشی از واقع‌نمایی غلط است رفع شود؛ باید به مردم امید و نشاط بدهیم.